

جاسوس بازي

17 بهمن 1404

حسن لطفی: اگر بگویم از شادي سال‌هاي قبل فيلم مي‌بينم شما مثل خيلي از حرف‌هاي ديگري که مي‌گویند و مي‌شنویم باور نکنید. اما نتوانستم مثل خيلي از دوستان منتقد نيایم و فيلم نبینم. جاي آنها خالي است و درکشان مي‌کنم، اميدوارم آنها هم من و عده‌اي که آمده‌ایم و فيلم مي‌بينم را درک کنند.

همان‌طور که آنها براي نيامدن دليل دارند ما هم بي‌دليل نيستيم. شك ندارم همه ما پي روزهاي خوب براي ايران و ايراني هستيم و دلمان با قدم زدن با چهره شاد در راهروهاي پردیس‌هاي سينمايي، خيابان‌هاو... مي‌گردیم.

جشنواره برايم از روز دوم نمايش فيلم در پردیس ملت شروع مي‌شود. آن هم با فيلم تقاطع نهايي که انگار فيلمساز جوانش (سعید جليلي) خواسته فيلمي بسازد که تعليق و درگيري و هيجان سينمايي هيچکاک و کلوز را چاشني دغدغه‌هاي اجتماعي‌اش کند. ظاهراً قتلي اتفاق مي‌افتد و زناني مي‌خواهند جنازه روي دست‌شان را سر به نيست کنند و... اگر بگویم فيلم، فيلم بدی است در حق سازنده جوانش و رويایي که براي آینده سينمايش در سر دارد جفا کرده‌ام. معلوم است درس‌هايي که از اساتيد گرفته را نسبتاً خوب به کار بسته. اما به نظر مي‌رسد اگر به حرف استاد بزرگ سينما (هيچکاک) گوش مي‌شد داد و به جاي غافلگيري به دلهره تن مي‌داد کشمکش و جذابيت فيلم بيشتري مي‌شد و با پايان غافلگيرکننده فعلي فقط يك ضربه نصيب بيننده نمي‌شد و بيننده گمان نمي‌کرد کل فيلم از فيلمنامه‌نويس رو دست خورده است. البته اينطور که معلوم است تمايل به غافلگيري در دو فيلم بعدي (قمارباز و خيابان جمهوري) هم حرف آخر را مي‌زند. البته اين دو فيلم ويژگي‌هاي ديگري هم دارند.

بعد از تماشايش فيلم قمارباز با خودم فکر مي‌کنم اگر سعيد امامي مامور امنيتي معروف سال‌ها پيش توانسته بود فيلمسازاني را راضي به ساخت فيلمي با قهرماني شبیه فيلم قمارباز کند، حتماً نتيجه بهتري مي‌گرفت. قهرماني که جذابيت‌هاي فيزيکي‌اش همراه با خوش‌زباني و وطن‌دوستي و البته مهرباني شده و نه تنها جاسوسي را وادار به اعتراف مي‌کند بلکه او را تبديل به جاسوسي براي دستگاه متبوع خود مي‌سازد. فيلم که مکان‌هاي معدودي دارد و اکثر زمانش در فضاي بسته آپارتماني مي‌گذرد بيشتري با تکیه بر ديالوگ پيش رفته است. البته به نظر مي‌رسد فيلمنامه‌نويس فيلم (بهجت شريف) موقعيت دراماتيک، ديالوگ‌نويسي را بلد است و همين هم از نقاط قوت فيلم شده. فيلمي که همچون اثري از آرش معيريان (غبار ميمون) شائبه سفارشي گرفتن از نيروهاي امنيتي را در ذهن مي‌آورد و قرار است نسخه‌هاي وطني فيلم‌هايي باشد که در دنيا ساخته مي‌شود و از قهرمانان گمنامي مي‌گويد که پي شناسايي جاسوسان هستند و... بايد ديد برخورد بيننده امروز ايران با چنين فيلم‌هايي چگونه است.

فيلم خيابان جمهوري ساخته منوچهر هادي فيلم اجتماعي با فضا سازي و بازي‌هاي نسبتاً خوب است که تاکيد زياد کارگردانش بر تصوير واقعييت جاري باعث تکرار زياد و گاهي اوقات کسالت بيننده مي‌شود.